

دره بین

چرا خواستگاران مزاحم مزاحم می شوند؟

د کتر امان ا... قرائی مقدم جامعه شناس

واستاد دانشگاه

گاهی اوقات در برخی خانواده ها هنگام ازدواج فرزندان، مشکلات و مصائبی رخ می دهد که پای شان را به جای حضور در دفتر خانه برای ثبت ازدواج به دادگاه کیفری باز می کند و دچار مشکلات حقوقی عدیده ای می شوند. برخی افراد به دلیل شنیدن نه، هنگام خواستگاری دست به انتقام می زنند و به دلیل کینه جویی مرتکب رفتارهای جبران ناپذیری می شوند که آسیب های بسیاری را به خانواده ها و جامعه تحمیل می کنند.

البته این آسیب ها و گزندها فقط از سوی خانواده پسر نبوده بلکه برخی خانواده های دختران دم بخت نیز کینه و عقده حقارت خود را قالب مزاحمت و انتقام جویی به جامعه تحمیل می کنند که آسیب هایی مانند آدم ربایی، قتل، خودکشی، سرقت و جرایم خردو کلان نیز به اجتماع تحمیل می شود.

برای یک ازدواج موفق و سالم، خانواده های هر دو طرف باید از یکدیگر شناخت کافی داشته باشند و این حق مسلم هر دو خانواده به شمار می رود که در باره شخصیت، اخلاق، رفتار، آداب اجتماعی، فرهنگ اجتماعی، مسائل اقتصادی و اعتقادی و... آگاهی و شناخت لازم را داشته باشند تا بتوانند آینده مناسبی برای فرزندان خود متصور شوند.

اغلب طلاق ها و جدایی زوج ها و فروپاشی خانواده ها به دلیل نبود شناخت کافی قبل از ازدواج است و چون فرهنگ خانواده ها با یکدیگر همخوانی ندارد، به مشکل می خورند و از نگاه جامعه شناختی در این شرایط بهتر است ازدواج صورت نگیرد زیرا به طور قطع منتهی به طلاق و جدایی می شود و یک آسیب به آسیب های اجتماعی وارد می کند.

ازدواج و خواستگاری و طی این مراحل برای ساخت یک زندگی باید با مطالعه، دور اندیشی و در نظر گرفتن ملاک ها و معیارهای درست و اصولی باشد و تا حدودی این سخت گیری ها به شناخت بیشتر منجر می شود اما اگر این سخت گیری ها هنگام خواستگاری افراط گونه شود و رنگ زیاده خواهی خودخواهی به خود بگیرد قطعلا اختلافات را ریشه ای تر و آسیب های اجتماعی و فرهنگی بیشتری به جامعه وارد می کند. برخی خانواده ها به دلیل نداشتن تناسب اقتصادی تصمیم به ازدواج می گیرند و همین نبود تناسب اقتصادی بین زوج ها عامل کینه، عقده و احساس حقارت می شود و فرد تحقیر شده دست به انتقام جویی و مزاحمت می زند تا آتش کینه خود را خاموش کند.

این افراد بدون فکر و تأمل و اندیشه آینده شان را خراب می کنند و انگ مجرمیت را به خود تحمیل می کنند در حالی که هنگام خواستگاری باید ملاک ها و معیارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... مدنظر قرار گیرد تا مزاحمت های بعدی از آن برای دو خانواده رخ ندهد. سبک خانواده ها برای ازدواج با یکدیگر متفاوت است و نبود همخوانی عامل اصلی طلاق به شمار می رود و گاهی سخت گیری های بدون منطق ریشه اختلافات را عمیق تر می کند و سبب ایجاد مزاحمت برای دختران و پسران جوان می شود. بهترین روش برای برون رفت از آسیب هایی مانند قتل، خودکشی، قتل های ناموسی و... نیاز به جست وجو، تحقیقات و مطالعات هنگام ازدواج است.

ماجرای ناپدید شدن مدیرعامل یک شرکت پس از دو سال به فرضیه قتل او به دست یکی از سهامداران شرکت گره خورد.

مظنون به خاطر قتل خواستگار دخترش تحت تحقیق جنایی است و حالا باید از سرنوشت مدیرعاملش هم پرده بردارد.

■ **ناپدید شدن مدیرعامل**

اوایل سال ۹۶ بود که خانواده ای با مراجعه به اداره پلیس خرم آباد از ناپدید شدن پدرشان خبر دادند و بدین ترتیب تیمی از ماموران برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند و در گام نخست تجسس ها از خانواده مرد جوان آغاز شد.

ماموران در تحقیقات ابتدایی پی بردند که مرد گمشده مدیرعامل یک شرکت خصوصی است که سهامداران زیادی در شرکتش مشغول کار هستند و صبح روز ناپدیدشدنش نیز برای انجام کار از خانه خارج شده و دیگر بازنگشته است.

تحقیقات قدم به قدم جلو می رفت و ماموران به همه بیمارستان ها و محل هایی که احتمال می دادند مدیرعامل شرکت خصوصی به آن جا مراجعه کرده باشد یا او را انتقال داده باشند سرکشی کردند اما هیچ

سرنخی از وی به دست نیامد.

تجسس های پلیسی به بن بست رسیده بود و هیچ سرنخی از مرد گمشده به دست نیامد و هیچ تماس مرموزی نیز مبنی بر گروگانگیری در

دست نبود.

■ **دومین فقدانی**

اوایل خرداد امسال خانواده ای با حضور در اداره پلیس تهران از ناپدید شدن پسر جوانشان به نام علی خبر دادند و با توجه به حساسیت ماجرا تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه وارد عمل شدند. کارآگاهان در گام نخست پی بردند که علی ۴۰ ساله کارمندیک شرکت خصوصی بوده و صبح روز ۴ خرداد از خانه خارج شده اما دیگر بازنگشته و تلفن همراهش نیز خاموش شده است.

با توجه به این که خانواده علی اصرار داشتند که هیچ وقت پسرشان سابقه ناپدید شدن و جواب ندادن به تلفن همراهش را نداشته، فرضیه یک حادثه تلخ برای پسر جوان پیش روی ماموران قرار گرفت.

چند روزی از ماجرای ناپدید شدن علی گذشت و هیچ ردی از این پسر جوان در بیمارستان ها و کلانتری ها به دست نیامد. برای به دست آمدن یک سرنخ، ماموران به سراغ مکالمات تلفنی او رفتند که مشخص علی آخرین بار با مردی تماس داشته و قرار ملاقات گذاشته است.

همین سرنخ کافی بود تا کارآگاهان به سراغ مردی که علی با او تماس داشته بروند. در این مرحله مشخص شد این مرد پدر دختر جوانی است که علی از او خواستگاری کرده است.

تحقیقات پلیسی نشان از آن داشت که علی در ماجرای خواستگاری از دختر جوان با جواب منفی روبه رو شده اما با توجه به علاقه ای که به دختر جوان داشته به تماس هایش ادامه داده است. حمید ۵۵ ساله دستگیر شد و در تحقیقات ابتدایی ادعا کرد که علی خواستگار دخترش بوده و پس از این که جواب منفی به آن ها داده دیگر اطلاعی از او ندارد. این در حالی بود که پرینت مکالمات حمید و علی پیش روی او قرار گرفت و این مرد سکوت کرد.

■ **اعتراف به قتل**

در حالی که حمید سعی داشت راز معمای ناپدید شدن علی را پنهان کند پس از چند روز وقتی در برابر مدارکو شواهد پلیسی قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد. در دوه مشت مرتکب ارش اعتراف کرد.

حمید که کارمند یکی از نهادهای دولتی است و پنج فرزند دارد، گفت: سه ماه از ماجرای قتل علی می گذرد و در این مدت عذاب وجدان رهایم نمی کند و تنها به خاطر آبروی خودمو خانواده ام سکوت کرده بودم اما دیگر طاقت نیاوردم.

وی افزود: علی و دخترم در دوشرکت مختلف کار می کردند که در یک

سمینار با هم آشنا شدند و علی ادعا می کرد که قصد دارد یک خانه سه میلیاردی بخرد و حتی در مدت زمانی که با دخترم در ارتباط بود کمی پول گرفته بود تا این که به خواستگاری دخترتم آمد.

پدر خانواده ادامه داد: وقتی علی به خواستگاری دخترم آمد به او جواب منفی دادیم چون قبل از این که او به خواستگاری بیاید ادعا کرده بود که پدر و مادرش در شهرستان هستند و حتی اصرار داشت که با دخترم نامزد کند اما من مخالفت کردم تا این که از چند تن از دوستانش شنیدم که از او ناراضی هستند و پیشنهاد دادند که مانع از دواج آن ها با هم شوم. من که کنجکاو شده بودم به تحقیق پرداختم تا این که شنیدم او دوزن دارد که به دادگاه رفته و درخواست طلاق داده اند و خواستار گرفتن مهریه و نفقه شان هستند و جالب تر این که شنیدم علی بچه هم دارد.

حمید گفت: علی بعد از جواب منفی ما بارها با دخترم تماس گرفت و برای او ایجاد مزاحمت کرد و اصرار به ازدواج داشت. دخترم وقتی متوجه ماجرا شد، دیگر حاضر نشد جواب علی را بدهد اما اصرارهای او آرامش

دیهر ضایت می دهیم.

سپس متهم که از کانون اصلاح و تربیت به دادگاه منتقل شده بود، در جایگاه ویژه ایستاد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من اصلاً فرید را نمی شناختم و هرگز او را ندیده بودم. یک روز همراه با برادرم به پارکی در شهری رفته بودیم که فرید پایش را جلوی پایم انداخت که به زمین افتادم. من که عصبانی شده بودم، به او گلایه کردم و دعوایمان ما بالا گرفت و بعد از دواج داشت. دخترم وقتی متوجه ماجرا شد، دیگر حاضر نشد جواب علی را بدهد اما اصرارهای او آرامش

بررسی حوادث

ردپای رئیس گمشده در پرونده قاتل خواستگار ۲ زنه



از ماموران پلیس لرستان اطلاع پیدا کردند که هیچ جسدی در محدوده ای که حمید ادعا کرده به دست نیامده است که در ادامه تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران همراه عامل این جنایت به لرستان رفتند و موفق به پیدا کردن جسد شدند.

کارشناسان پزشکی قانونی پس از بررسی ها اعلام کردند که آثار شکستگی روی بدن مقتول زیاد بوده و آثار زنجیر نیز روی پای علی وجود داشته و با توجه به اطلاعات به دست آمده مشخص شد که به احتمال زیاد علی در زمان رسیدن به خرم آباد زنده بوده و در آن محل به قتل رسیده است.

■ **همدست قاتل**

حمید اصرار داشت که در تمام این اتفاقات تنها بوده و هیچ همدستی نداشته است اما کارآگاهان با تحقیقات میدانی و مدارک به دست آمده، اطلاع پیدا کردند که حمید همراه یک مرد دیگر به لرستان رفته و همین کافی بود تا تجسس های فنی کلید زده شود و با اعتراضات حمید همدستش دستگیر شد.

مرد جوان که جواد نام دارد در اعتراضات گفت: من از حمید شنیده

بود و من همراه پسر عمه ام بار دیگر به پارک

رفته بودیم. چون هوا سرد بود می خواستیم از یک دست فروش کلاه بخریم که فرید را دوباره دیدم. او به سمت پسر عمه ام آمد و او دست داد. من که فکر می کردم او پسر عمه ام را می شناسد، با او دست دادم، اما فرید دستم را کشید و همراه دوستانش مرا کتک زد. آن ها با چاقو چند ضربه به من زدند و من برای دفاع از خودم چاقویی را که پسر عمه ام همراه داشت از او گرفتم و یک ضربه به فرید زدم.

بنابه این گزارش، در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

عاملان ربایش ۴ مرد ثروتمند تهرانی پای میز محاکمه



ناصران دیده ایم. او با شماره تلفنی ناشناس با ما

تماس گرفت و در ازای پرداخت پول از ما خواست تا مرد برج ساز را بپذیریم.

در حالی که سه متهم مدعی بودند هیچ نشانی از ناصر ندارند، پرونده برای تکمیل تحقیقات بار دیگر به پلیس آگاهی تهران برگردانده شد.

■ **افشای ۳ آدم ربایی دیگر**

با تکمیل تحقیقات و بررسی شماره تلفن هایی که سه آدم رب مدعی بودند ناصر با آن ها تماس داشته است، یک مرد ردیابی و بازداشت شد و در این میان فاش شد وی قبلاً نیز مدیرعامل

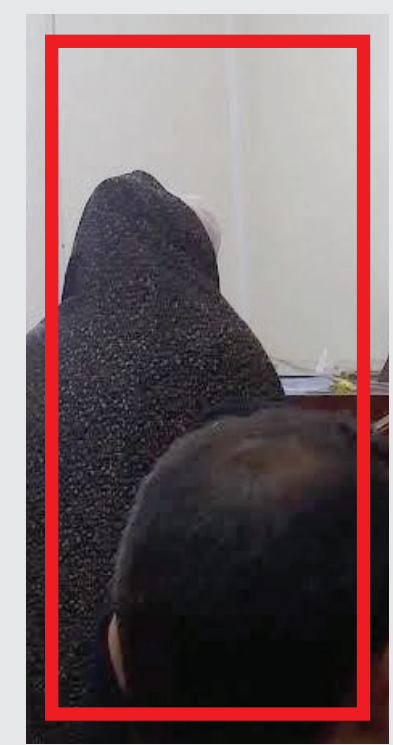
سه شرکت معتبر را به همین شیوه ربوده بود. با شناسایی سه مال باخته دیگر پرونده، آن ها به تشریح شکایت هایشان پرداختند و گفتند در دام سه مامور قلابی گرفتار شده بودند.

یکی از آن ها که مدیرعامل یک شرکت صوتی و تصویری سرشناس است، گفت: مدتی قبل توسط چند مرد ناشناس ربوده شدم و آن ها چند چک از من گرفتند و مرا رها کردند.

■ **اشتباه در دادگاه**

با افشای چهار بار آدم ربایی، پرونده ها تجمیع و برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک

اشک پشیمانی دختر پدرکش در سناریوی عشق پیری



پیراهن که از قشم برایم خریده بود به من هدیه داد. من هم یک ادکلن به او دادم. آن روز برای

خانه پدرم خرید کرده بودم و سپس به باشگاه رفتم. می خواستم بعد از باشگاه به خانه پدرم بروم. وقتی از باشگاه بیرون آمدم متوجه شدم مادرم بارها با گوشی موبایلم تماس گرفته است. وقتی به او زنگ زدم گفت، بار دیگر با پدرم در گیر شده و پدر او را از خانه بیرون انداخته است. من به خانه پدرم رفتم تا آن ها را با هم اشتی دهم و وسایلی را که برای خانه

یک زن که پدرش را به خاطر عشق پیری اش کشته بود و در آستانه قصاص قرار داشت از طناب دار نجات یافت.

این دختر پدرکش با جلب رضایت اولیای دم دیروز از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

■ **جنایت خانواده گی**

رسیدگی به این پرونده در یکم اسفند سال ۹۵ به دنبال کشته شدن مرد ۷۰ ساله ای به نام مرتضی در خانه اش در شرق تهران در دستور کار پلیس قرار گرفت. شواهد نشان می داد این مرد به دست دختر بزرگش به نام شیمیا ۵۰ ساله کشته شده است.

در حالی که پریند به خانه مرد سالخورده رفته بود، شیمیا به اداره آگاهی تهران رفت و تسلیم پلیس شد.

این دختر قتل را به گردن گرفت و با پشیمانی از این جنایت به بازسازی صحنه جرم پرداخت. شیمیا در حالی به دادگاه کیفری یک تهران رفت و از خود دفاع کرد که خواهر و برادرانش تقاضای قصاص را برای وی مطرح کردند.

شیمیا به تشریح درگیری با پدرش پرداخت و گفت، ناخواسته دست به قتل زده است و در پایان جلسه به قصاص محکوم شد.

■ **رهایی از قصاص**

در حالی که پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار داشت، وی توانست رضایت اولیای دم را جلب کند و دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد.

شیمیا ۵۰ ساله گفت: من متاهل و صاحب سه فرزند هستم. من همیشه رابطه خوبی با پدرم داشتم و حتی شب قبل از این ماجرا پدرم یک